

سال دوم

جلسه ۸۸

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۲۹ / ۱ / ۹۱ سه شنبه

بحث سوم:



## دو قول اصلی پیرامون هیأت های اخباری

قول اول

همه هیأت های دارای وضع یکسان است

۱. نظریه مشهور

۲. نظریه مرحوم  
خویی

۳. نظریه محقق  
عراقی

۳. نظریه آیت الله فیاض  
و آیت الله وحید

قول دوم

همه هیأت های دارای وضع یکسان نیست

۱. نظریه امام  
خمینی

قول دوم [غیر همانندی تمام هیأت ها] / بررسی نظریه امام خمینی

همه هیأت ها دارای ضابطه یکسان نیستند

نظریه



موضوع له همه قضایای غیر مؤوله عبارت از هویت تصدیقی است

توضیح

هو هویت در هیئات مختلف

هیئات قضیه خبریه حملیه که در آنها حروف به کار نرفته باشد **هیأت اسمیه غیر مؤوله** است.

مثل «الانسان حیوان ناطق»

موضوع له همه اقسام هیئات غیر مؤوله «هو هویت تصدیقیه» است

در حمل های اولی و شایع، حمل های بسیط و جملات مرکبه هیچ گونه نسبتی وجود ندارد

زیرا در حملهای اولی که محمول عین موضوع است

**وجود نسبت در آن = نسبت میان شیء با خودش**

و

در حمل های بسیط که وجود و ماهیت اتحاد مصداقی دارند

**وجود نسبت در آنها = تقرر و تحقق خارجی ماهیت، مغایر با وجود**

نکته

مصادیق ذاتی و مصادیق عرضی

در قضایای مرکب که به حمل شایع حمل شده اند گاهی مصادیق ذاتی هستند و گاه عرضی

مصادیق ذاتی = مصادیقی که ذاتی برای طبیعت هستند مانند

سفید برای سفیدی

مصادیق عرضی = مصادیقی که عرضی برای طبیعت هستند مانند

دیوار سفید

در اینجا «سفیدی» واقعی از آن «سفید» است اما به واسطه تحقق سفیدی بر روی دیوار، بر آن نیز

حمل می شود.

«حیثیت تقییدیه»

«واسطه در عروض»

اگر بگویی

در قضایایی که گذشت عدم «نسبت خارجی» ملاک بود  
چه اشکالی دارد که در قضایای لفظیه نسبت را لحاظ کنیم؟

پاسخ

قضایای لفظیه حاکی از خارج و با آن منطبق هستند

پس

نمی توانند بر امری که در خارج نیست مشتمل یا از آنچه در خارج هست تهی باشند.

نیز

آنچه به فهم ما در می آید «قضایای معقوله» مطابق با قضیه لفظیه است

و شامل بیش از آن نمی شود.

## اگر بگوییم

تقوم قضیه به نسبت است  
نسبت نیز گاه مطابق با خارج (صادق) و گاه غیر مطابق (کاذب) است  
پس نفی نسبت منجر به نفی قضیه می شود

## پاسخ

«تقوم قضیه به نسبت»  
اگر چه مشهور است اما قابل استناد نیست تا نفی نسبت به نفی قضیه منجر شود  
خواهیم گفت که ملاک صدق و کذب در قضایا چیست



قول دوم [غیر همانندی تمام هیأت ها] / بررسی نظریه امام خمینی

نکته

قضایای حملیه به حمل شایع که موضوع آنها مصداق ذاتی محمول نیست

۱- این نوع قضایا نیز بر «هو هویت» دلالت می کنند.

زیرا یا

ذات در مشتق اخذ شده = فقدان نسبت میان آنها قطعی است

یا

ذات در مشتق اخذ نشده = با لحاظ «لا به شرط» بودن، موضوع و محمول متحد شده،

هو هویت می یابند و در نتیجه وجود نسبت منتفی است

نکته

تفاوت قائم و قیام

تفاوت میان قائم و قیام در

«به شرط لا» بودن و «لا به شرطیت عن الحمل و الاتحاد» است

در عالم لفظ نیز مانند عالم خارج قضیه حاکی از هو هویت  
است

اگر بگویی

با توجه به آنچه گذشت چرا در «انسان قائم» انسان را مصداق عرضی قائم می دانید؟

پاسخ

این نظر دقیق است

مثل آنکه می گوئیم ماهیت بالعرض موجود است در حالی که عرف ماهیت را به تبع وجود موجود می داند.

حاصل آنکه

- ۱- همه قضایای حملیه غیر مؤوله از «هوهویت» حکایت می کنند
- ۲- هیئات آنها برای دلالت بر «هوهویت» وضع شده اند
- ۳- دلیل ما بر آنچه گفته شد «تبادر» است

نتیجه: موضوع له در جملات خبریه «هوهویت» است